

بررسی چالش‌های جریان‌های انحرافی در مسیر تمدن‌سازی دولت تراز انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: فرقه شیخیه)

مهرداد ندرلو^۱

مهدی یوسفیان^۲

چکیده

این پژوهش، به روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای به بررسی چالش‌های جریان‌های انحرافی مهدوی، با تأکید بر جریان شیخیه، در مسیر تمدن‌سازی دولت تراز انقلاب اسلامی پرداخته است و به ضرورت شناخت و مقابله با این چالش‌ها و تفسیرهای نادرست از مهدویت، در جهت پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی تأکید دارد. از این‌رو، در این تحقیق، چالش‌هایی که جریان‌های انحرافی، به‌ویژه جریان شیخیه در مسیر تمدن‌سازی دولت تراز جمهوری اسلامی ایجاد می‌کند؛ شناسایی و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که شیخیه در سطح کلان با ناسازگاری ایدئولوژیک، در سطح میانی با آرمان زدایی و در سطح خرد با تضعیف همبستگی اجتماعی، مانع تحقق تمدن‌سازی دولت تراز اسلامی است. راهکارهای پیشنهادی، تقویت گفتمان تمدن‌سازی، نقد علمی جریان‌های انحرافی، آموزش عمومی و تقویت همبستگی اجتماعی را شامل است.

واژگان کلیدی: جریان‌های انحرافی، تمدن‌ساز، دولت تراز، انقلاب اسلامی، شیخیه.

۱. دانش‌پژوهش سطح چهار مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول) ndr1wmhrdad5@gail.com

mahdi252@chmail.ir

۲. عضو هیات علمی مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه، قم، ایران.

مقدمه

تحقق تمدن اسلامی، بدون شک یکی از اهداف و نتایج بنیادین انقلاب اسلامی ایران و دولت متعهد به اصول آن به شمار می‌رود که بر اساس این هدف برنامه‌ریزی می‌کند؛ تمدنی که بر ارزش‌های اسلامی و آموزه‌های قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام بنا نهاده شده و به دنبال ترسیم افق جامعه‌ای عدالت‌محور، پیشرفته و معنویت‌گرا است. دولت تراز انقلاب اسلامی، به منظور دستیابی به این هدف، به تلاش مستمر و برنامه‌ریزی منسجم برای تحقق این جامعه مطلوب ملزم است. در همین زمینه، مقام معظم رهبری الگوی گام به گامی را برای دستیابی به تمدن و امت اسلامی ارائه کرده‌اند که مراحل انقلاب اسلامی، ایجاد نظام اسلامی، دولت اسلامی و در نهایت کشور اسلامی را شامل است. این فرآیند از تغییرات انسانی و اسلامی بنیادین آغاز شده و در نهایت به ایجاد دولت و کشوری که بر اساس ارزش‌های اسلامی اداره می‌شود، منتهی می‌گردد (ر.ک: خامنه‌ای، بی‌تا: ج ۲۲، ص ۳۵).^۱

با وجود این هدف‌گذاری مشخص، جریان‌های انحرافی متعددی در تأثیرگذاری بر مسیر دولت تراز انقلاب اسلامی سعی داشته‌اند. این جریان‌ها، با برداشت‌های متفاوت و گاه متناقض از اصول اسلامی، به‌ویژه در حوزه مهدویت، در جذب پیروان و تأثیرگذاری بر افکار عمومی در تلاش هستند. فرقه شیخیه که به‌عنوان یکی از جریان‌های مهم در تاریخ تشیع شناخته می‌شود، نمونه‌ای از این گروه‌هاست. این فرقه با تفسیری خاص از آموزه‌های اسلامی و اعتقادات مهدوی، چالش‌هایی را در برابر تلاش‌های دولت تراز جمهوری اسلامی ایجاد کرده و به‌عنوان جریانی انحرافی، یکی از موانع پیش‌روی آن به شمار می‌آید.

بر همین اساس، پژوهش پیش‌رو تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که جریان‌های انحرافی مهدوی، به‌ویژه فرقه شیخیه، چه چالش‌هایی برای تمدن‌سازی دولت تراز انقلاب اسلامی ایجاد می‌کنند. این پژوهش که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای تدوین شده است، باهدف شناسایی این چالش‌ها، آن‌ها را در سه سطح کلان، میانی و خرد، تحلیل می‌کند.

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹/۹/۱۲).

ضرورت این پژوهش در جهت تمدن‌سازی دولت تراز انقلاب اسلامی، به بررسی چالش‌هایی برمی‌گردد که جریان‌های انحرافی مهدوی در مسیر این هدف ایجاد می‌کنند. در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند به‌عنوان یک الگوی تمدنی بر اساس آموزه‌های اسلام، عدالت و معنویت، جامعه‌ای مدنی و پیشرو را محقق سازد؛ شناخت موانع و تهدیدهای فکری و اعتقادی که از سوی گروه‌های انحرافی متوجه این هدف است؛ اهمیت دو چندان می‌یابد. جریان‌هایی که با تفسیرهای ویژه از آموزه‌های مهدوی پایه‌های فکری و اعتقادی دولت را تضعیف می‌کنند، از این‌رو، بررسی این چالش‌ها برای درک بهتر و مقابله با این جریان‌ها، یکی از ضروریات بنیادین پژوهش‌های تمدن‌سازی و آینده‌نگری در مسیر تقویت جمهوری اسلامی به شمار می‌رود.

در زمینه پیشینه بحث آنچه قابل ذکر است که مطالعات پیشین در حوزه تمدن‌سازی اسلامی و موانع پیش‌روی آن، به ویژه جریان‌های انحرافی، گسترده و متنوع است و عمدتاً به بررسی کلی تمدن اسلامی، موانع آن پرداخته‌اند. در این زمینه، پژوهش‌هایی نیز به تحلیل جریان‌های انحرافی و تأثیر آن‌ها بر انقلاب اسلامی اختصاص یافته که از جمله می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «بررسی راهکارهای مشترک نفوذ جریان‌های انحرافی معاصر در بستر آموزه‌های مهدویت»، نوشته جواد اسحاقیان و حجت حیدری چراتی (انتظار موعود، ۱۳۹۹: ص ۱۳۳-۱۵۸) و نیز مطالعاتی با عنوان «بررسی و تحلیل نقش جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی در تقابل با حاکمیت فقیه» (جامعه مهدوی، ۱۴۰۳: ص ۳۳-۶۸) حجت حیدری چراتی و مهرداد ندرلو و نیز «تحلیل تهدیدهای امنیتی و اجتماعی گرایش به جریان‌های انحرافی مهدوی در جامعه ایران» (انتظار موعود، ۱۴۰۲: ص ۹۵-۱۲۰) از نگارنده این سطور با همکاری حجت حیدری چراتی به چاپ رسیده است. علاوه بر این، پایان‌نامه نویسنده با موضوع «بررسی و تحلیل چالش‌های جریان‌های انحرافی مهدوی در تقابل با جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر جریان منصور هاشمی خراسانی»؛ به برخی از چالش‌های شیخیه در جمهوری اسلامی پرداخته است.

با این حال، پژوهش‌های انجام شده در دهه‌های اخیر، به طور خاص به چالش‌های جریان‌های انحرافی مهدوی به ویژه شیخیه در مسیر تحقق تمدن اسلامی و تأثیر آن بر دولت



تراز انقلاب اسلامی نپرداخته‌اند. این خلأ پژوهشی نشان می‌دهد که موضوع حاضر، نو، و به تحقیقات بیش‌تر نیازمند است. به عبارت دیگر، این پژوهش به دنبال پر کردن شکافی در ادبیات پژوهشی موجود در این حوزه با تأکید بر جریان‌های انحرافی مهدوی است که با هدف شناسایی چالش‌های ایجاد شده توسط فرقه شیخیه، و تحلیل تأثیرات آن بر روند تمدن‌سازی متمرکز است؛ چرا که جریان‌های فکری، هنگامی که از مسیر صحیح منحرف شده و به جریان‌های انحرافی یا ضدفرهنگ تبدیل شوند، پیامدهای نامطلوبی بر فرایندهای اساسی جامعه بر جای می‌گذارند. یکی از این پیامدها، اتلاف منابع مادی و معنوی و تحمیل هزینه‌های سنگین در مسیر تمدن‌سازی است که این سرمایه‌ها باید به جای مقابله با این انحرافات، به خلاقیت و نوآوری در عرصه‌های مختلف، از جمله ترویج معارف دینی و فرهنگی صرف شود. از این منظر، جریان انحرافی شیخیه یکی از برجسته‌ترین فرقه‌های انحرافی در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود که از زمان پیدایش خود تاکنون، چالش‌های فکری و اجتماعی متعددی را در جامعه ایران به وجود آورده و با تأثیرات گسترده خود، تحقق دولت تراز انقلاب اسلامی و اهداف تمدنی آن را با چالش مواجه کرده است. فعالیت‌های این فرقه، نه تنها بخش قابل توجهی از ظرفیت‌های فکری و مدیریتی جامعه را به مقابله با خود معطوف کرده، بلکه با ایجاد بسترهای لازم برای ظهور فرقه‌هایی چون باییت و بهائیت؛ موجب شده است که توانمندی‌های جامعه‌سازی دولت نیز در مقابله با این انحرافات تحلیل رود.

بنابراین، در ادامه پس از مفهوم‌شناسی واژگان بنیادین تحقیق و معرفی اجمالی فرقه شیخیه به بررسی این چالش‌ها خواهیم پرداخت.

مفهوم‌شناسی واژگان

از آن‌رو که واژه‌ها و اصطلاحات علمی اغلب دارای معانی و تفاسیر مختلفی هستند و برداشت‌های متفاوت از آن‌ها ممکن است به بروز ابهامات یا سوءتفاهم در نتایج پژوهش منجر گردد؛ در آغاز به مفاهیم واژگان کلیدی تحقیق که عبارت است از چالش، جریان‌های انحرافی، تمدن و دولت تراز اشاره می‌کنیم تا زمینه مشترک فهم و تحلیل موضوع برای مخاطبان فراهم شود.

چالش

واژه «چالش» در لغت‌نامه‌های فارسی همچون معین و دهخدا به معانی مختلفی مانند «جنگ و جدال»، «زدوخورد»، «مصارعت»، «کشتی» و «تلاش» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۶، ص ۸۰۲ و معین، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۵۵۱). در اصطلاح نیز به‌ویژه در حوزه‌های علوم سیاسی و اجتماعی، چالش بیش‌تر معادل واژه انگلیسی "Challenge" در نظر گرفته می‌شود (باطنی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۱۳۷) و به معنای رویارویی با یک وضعیت دشوار یا جدید است که نیازمند تلاش، عزم، و گاه تغییر در ساختار یا نگاه جامعه است (ذوعلم، ۱۳۸۴: به نقل از، Webster's Dictionary, New York, 1968). در ادبیات معاصر فارسی، چالش به وضعیتی اطلاق می‌شود که روند جامعه را از بیرون تهدید و تعادل آن را مختل می‌کند و مستلزم مواجهه‌ای سرنوشت‌ساز و پرتوان است. این مفهوم در پنج ویژگی کلی خلاصه می‌شود: عینی بودن، جدید بودن، اثرگذاری بر آینده، بیرونی و غیرارادی بودن، و نیازمند تلاش سرنوشت‌ساز و فراگیر برای حفظ تعادل (ذوعلم، ۱۳۸۴: ص ۳۴۴-۳۳۷). بر همین اساس، مراد از چالش از نظر نویسنده وضعیتی است که روند جامعه را از درون و یا بیرون مورد تهدید قرار می‌دهد و غلبه بر آن نیازمند تلاش مستمر است.

تمدن

لغت‌شناسان کلمه «تمدن» را از ریشه عربی «مدینه» دانسته و به «مدنیت» و «شهرنشینی» تعریف کرده‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۳۰۶؛ شرتونی، ۱۳۷۴: ج ۵، ص ۱۷۸؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۵، ص ۵۶۳ و عمید، ۱۳۸۹: ص ۳۶۵). این واژه در اصطلاح به معنای مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی جامعه است که به مرور و طی فرایندی منسجم پدیدآمده و از هماهنگی و نظم اجتماعی برخوردار است. این مفهوم اغلب با فرهنگ پیوندی نزدیک دارد؛ اما گستردگی و شمول آن وسیع‌تر است و دربرگیرنده ساختارهای پیچیده‌تری مانند فناوری، شهرسازی، معماری، و نظم اجتماعی پایدار است؛ لذا برخی پژوهشگران تمدن را به‌عنوان سطحی عالی‌تر از فرهنگ توصیف کرده‌اند که عناصر ملموس و قابل مشاهده را نیز شامل می‌شود و در عین حال، فرهنگ را به مثابه بطن پویای آن، که ارزش‌ها و باورهای جامعه را بازتاب می‌دهد؛ می‌دانند (ر.ک: ابراهیم‌نژاد، پورعباس، ۱۴۰۰: ص ۱۷-۲۷ و طوسی، ۱۳۷۱:



ص ۲۰۹-۲۱۰). مراد ما از تمدن، به‌ویژه در زمینه تمدن‌سازی انقلاب اسلامی، ساختاری گسترده و هماهنگ از باورها، ارزش‌ها، نهادها، و رفتارهایی است که با الهام از اصول و آموزه‌های اسلامی برای ایجاد جامعه‌ای ایده‌آل و تراز انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد.

دولت تراز

واژه «دولت» از نظر لغوی به معنای انتقال چیزی به دست فردی و سپس به دست دیگری است. گفته شده که «دولة» و «دولة»، هم در امور مالی و هم در جنگ به کار می‌روند؛ با این تفاوت که «دولة» (با ضم) بیش‌تر در زمینه غلبه مالی و ثروت به کار می‌رود و «دولة» (با فتح) در جنگ (ابن منظور، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۵۲). در لغت نامه‌های فارسی نیز این واژه به معنای نیک‌بختی، مال و پیروزی، گروهی که بر کشوری حکومت کنند تعریف شده است (معین، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۷۰۶؛ نفیسی، ۱۳۵۵: ج ۲، ص ۸۰۰ و دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۸، ص ۱۱۲۷). از نظر اصطلاحی، دولت ساختار حکومتی جامع است که با اهداف خاصی، از جمله تأمین حاکمیت بر سرزمین‌های معین و حمایت از مردم آن ایجاد می‌شود که برای ایجاد و حفظ یک دولت پایدار، به مؤلفه‌هایی چون دین، امنیت عمومی، رفاه اقتصادی، اقتدار حاکم، امید به آینده و عدالت اجتماعی نیاز است (الصلاحات، ۱۴۲۷: ص ۱۱۲).

در این جستار مراد از دولت تراز، دولتی است که ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی را در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود به طور کامل اجرا کند که همه ارکان نظام از قوه مقننه، مجریه و قضائیه و سایر نهادها را شامل است. دولت تراز انقلاب اسلامی باید ویژگی‌هایی از قبیل توجه به ارزش‌های اسلامی، مردمی‌بودن، عدالت‌محوری، و مقاومت در برابر نفوذ بیگانگان داشته باشد. این نوع دولت در مسیر تمدن‌سازی اسلامی و حرکت به سوی ظهور، نقش کلیدی ایفا می‌کند.

جریان‌های انحرافی

«جریان» در لغت به معنای رفتن، روان شدن و وقوع یافتن امری آمده است (راغب، ۱۳۷۵: ص ۱۴۷؛ معین، ۱۳۸۱: ص ۵۳۰ و دهخدا، ۱۳۷۷: ص ۷۶۷۳). جریان در اصطلاح علوم

اجتماعی، به گروه‌های سازمان‌یافته با عقاید مشخص و هدف تأثیرگذاری بر جامعه اطلاق می‌شود. این گروه‌ها دارای رهبری، پیروان، ایدئولوژی مشخص و فعالیت‌های هدفمند است (خسرو پناه، ۱۳۹۴: ص ۹؛ مظفری، ۱۳۹۶: ص ۱۵). «انحراف» نیز برگرفته از ریشه «حرف» به معنای تغییر و انصراف لفظ از معنای اولیه است^۱. ابن منظور این واژه را به میل پیدا کردن از چیزی به چیز دیگر و ابن فارس به خروج از حد اعتدال، تمایل و جانبداری از طرف دیگر معنا کرده‌اند (ابن منظور، بی‌تا: ج ۹، ص ۴۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۴۲). در اصطلاح علوم مختلف معنای متعددی برای انحراف ارائه شده است که در مجموع به معنای دور شدن از مسیر صحیح و معیارهای پذیرفته شده اطلاق می‌گردد (ر.ک: صلیبا، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۶۹؛ صدر، ۱۳۸۳: ص ۱۶ و سلیمی، ۱۳۸۵: ص ۱۲۲). در نگرش دینی، انحراف از مسیر تکامل و بندگی خداست که به وسیله تحریف دین و باورها صورت می‌گیرد (صدر، ۱۳۸۳: ص ۱۶). بنابراین، مراد ما از جریان‌های انحرافی گروه‌هایی هستند که با تحریف آموزه‌های دینی، به ویژه در حوزه مهدویت، به دنبال تغییر باورها و رفتارهای افراد جامعه هستند. این گروه‌ها با ایجاد تشکیلات و سازماندهی پیروان، به صورت هدفمند به دنبال تأثیرگذاری بر جامعه و ایجاد تغییرات اجتماعی هستند.

شیخیه

«شیخیه» یکی از جریان‌های مذهبی شیعه امامیه است که در اوایل قرن سیزدهم هجری توسط شیخ احمد احسائی (۱۱۶۶-۱۲۴۱ق) بنیان‌گذاری و به دلیل پیروی از افکار شیخ احمد به شیخیه معروف گشت^۲ (سایت الابرار، بی‌تا: ص ۱ و الشخص، ۱۴۱۶: ص ۲۴۶).

۱. به همین معنا در قرآن کریم ﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾ (نساء: ۴۶ و مانده: ۱۳).

۲. شیخ احمد احسائی، با ترکیب دیدگاه‌های فلسفی و روایی تفسیرهای متفاوتی از اصول دینی ارائه کرد که با دیدگاه‌های رایج شیعه در تضاد بود. شیخ احمد عدالت را جزئی از اصول دین نمی‌دانست و معتقد بود عدل از میان سایر صفات الهی نباید به عنوان اصل مطرح شود (سراج، ۱۳۸۸: ص ۵۶-۶۰) و درباره معاد، دیدگاهی خاص به نام «عنصر هورقلیایی» داشت. او معتقد بود که انسان در قیامت با بدنی متفاوت به نام «عنصر هورقلیایی» زنده می‌شود (احسائی، ۱۴۳۰: ج ۵، ص ۵۱۳) و ...

پس از درگذشت او، سید کاظم رشتی رهبری فرقه را به دست گرفت، و به ترویج دیدگاه‌های شیخ پرداخت (سراج، ۱۳۸۸: ص ۷۴). او هنگام مرگ، شاگردان را به نزدیک بودن ظهور امام زمان نوید می‌داد (خاوری، ۱۳۴۴ بدیع: ص ۲۰ و ۳۲ و ۳۵) و بر اساس همین برای خود جانشینی انتخاب نکرد. با مرگ سید کاظم در سال ۱۲۵۹ قمری و عدم تعیین جانشین، انشعاب در میان پیروان آغاز و فرقه به شاخه‌های مختلف تقسیم شد و عده‌ای از شاگردانش مدعی جانشینی او شدند که همین امر به بروز اختلاف میان پیروان شیخیه انجامید.

برخی از مهم‌ترین انشعاب‌ها در شیخیه عبارتند از: ۱. شیخیه آذربایجان که یکی از شاخه‌های مهم شیخیه بود و در آذربایجان، به‌ویژه تبریز گسترش یافت و توسط سه خاندان اصلی حجت الاسلام، ثقة الاسلام و احقاقی رهبری می‌شد (حاج قلی و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۵۴). ۲. علی محمد شیرازی، معروف به «باب» نیز با جذب برخی دیگر از شیخیان، انشعاب دیگری را در شیخیه پدید آورد (افراسیابی، ۱۳۸۲: ص ۱۱). فرقه شیخیه کرمان که تمرکز پژوهش بر این شاخه از شیخیه خواهد بود، انشعاب دیگری است که در جریان شیخیه به رهبری حاج محمد کریم خان کرمانی ایجاد شد (همان و مشکور، ۱۳۸۶: ص ۲۶۷).

محمدکریم خان کرمانی (۱۲۲۵-۱۲۸۸ق) در اواسط قرن سیزدهم هجری در کرمان متولد شد (کربن، ۱۳۴۶: ص ۴۹ و بامداد، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۱). وی که تحت تأثیر آموزه‌های شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی بود به یکی از برجسته‌ترین چهره‌های جریان شیخیه تبدیل شد (همان، ص ۵۲ و بامداد، ۱۳۷۴: ص ۲-۳). کرمانی با بهره‌گیری از امکانات مالی پدر، به تحصیل علوم اسلامی و تألیف آثار متعدد پرداخت. آثار او که به بیش از ۲۶۷ عنوان می‌رسد که در پانزده فصل در کتاب فهرست مشایخ عظام جلد دو جمع‌آوری شده (ابراهیمی، بی‌تا: ص ۳۱۵ و ۵۴۲) و طیف گسترده‌ای از موضوعات دینی، فلسفی و اجتماعی را در بر می‌گیرد.

بر همین اساس نیز، برخی بر این باورند که شیخیه اگرچه توسط شیخ احمد احسائی بنیان نهاده شد و سید کاظم رشتی آن را گسترش داد؛ شکوفایی و بلوغ آن مدیون تلاش‌های

→→→

امام دوازدهم نیز در مکانی به نام «هورقلیا» حضور دارد (همان، ج ۸، ص ۴۲۱-۴۲۳). این تفسیرهای جدید توسط شیخ احمد احسائی باعث اختلاف عمیق و روز افزون او و در ادامه پیروان وی با شیعیان امامیه گردید.

حاج محمد کریم خان کرمانی است؛ لذا تأکید می‌کنند که کرمانی با نگاهی جامع و فراگیر، نه تنها به مباحث فلسفی و کلامی پرداخت، بلکه به مسائل اجتماعی و سیاسی نیز توجه جدی نشان داد، و با طرح مباحثی چون رابطه دین و دولت، مشروعیت حکومت و حتی جهاد علیه استعمار، ابعاد جدیدی به اندیشه شیخیه افزود (صالحی، ۱۳۸۰: ص ۱۶۸). به همین دلیل، بسیاری از پژوهشگران، کرمانی را طراح اصلی و سازمان‌دهنده این جریان می‌دانند که با نظام‌مند کردن اندیشه‌های شیخیه، آن را به یکی از جریان‌های مهم فکری شیعه تبدیل کرد (باستانی پاریزی، ۱۳۶۳: ص ۲۴۱ و صالحی، ۱۳۸۰: ص ۱۶۸).

محمدکریم خان کرمانی برای پس از خود، پسرش، حاج محمد خان (۱۲۶۳-۱۳۲۴ق) را به جانشینی خود منصوب کرد. با این حال، پس از مرگش بر سر جانشینی وی اختلاف افتاد؛ ولی اکثریت شیخیه کرمان، جانشینی محمدخان را پذیرفتند و بعد از او زین‌العابدین خان (۱۲۶۰-۱۳۷۶ق) و پس از او ابوالقاسم خان (۱۳۱۴-۱۳۸۸ق) و سپس عبدالرضا خان (۱۳۴۰ق) و در ادامه حاج سید علی موسوی بصری به ریاست شیخیه کرمانی برگزیده شدند.

رهبان شیخیه کرمان از محمد کریم خان کرمانی تا سید علی موسوی، آثار متعددی در موضوعات مختلف تألیف کرده‌اند که با وجود حجم بالای آثار، تحلیل اندیشه‌های آن‌ها غالب موارد به دلیل تلفیق عرفان و تصوف با مباحث اجتماعی و سیاسی و رعایت احتیاط‌های ناشی از شرایط زمانه؛ با چالش‌هایی همراه است که انسجام منطقی آثار آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. با این حال، بررسی دقیق آموزه‌ها و آثار شیخیه کرمان نشان می‌دهد که این فرقه برداشت‌های خاصی از مهدویت، حکومت، و تکالیف اجتماعی در عصر غیبت ارائه می‌کند که با اهداف تمدن‌سازانه انقلاب اسلامی و دولت تراز آن ناسازگار است. این برداشت‌ها، ترویج جدایی دین از سیاست، نفی مشروعیت حکومت دینی در عصر غیبت، ترویج ناامیدی اجتماعی و ناامیدی از دستیابی به اهداف مطلوب در عصر غیبت معصوم، آرمان زدایی از جامعه، ایجاد شکاف در همبستگی ملی، و ترویج خشونت فرقه‌ای را شامل می‌شود؛ لذا تحلیل این موارد می‌تواند اصول و مبانی اندیشه سیاسی شیخیه را روشن کند؛ به ویژه در زمینه دیدگاه این جریان نسبت به حکومت در عصر غیبت و رابطه دین و دولت که چالش‌هایی جدی برای فرآیند تمدن‌سازی دولت تراز انقلاب اسلامی ایجاد می‌کنند.



در همین زمینه، برای بررسی چالش‌های موجود در مسیر تمدن‌سازی دولت‌تراز انقلاب اسلامی با تمرکز بر فرقه شیخیه کرمان؛ این مؤلفه‌ها در سه سطح کلان، میانی و خرد مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این سه سطح، با توجه به الگوی گام به‌گام رهبر انقلاب^۱ برای ایجاد دولت‌تراز تمدن‌ساز، به‌صورت زیر تعریف می‌شوند: سطح کلان، شامل ایجاد نظام اسلامی، سطح میانی مربوط به تشکیل دولت اسلامی، و سطح خرد، ناظر بر ایجاد کشور اسلامی که رفتارهای فردی و تعاملات اجتماعی در سطح جامعه را شامل است. در این مطالعه، ایجاد انقلاب اسلامی، به‌عنوان یک رویداد تاریخی و مرحله‌ای مقدماتی برای دستیابی به نظام، دولت، و کشور اسلامی در نظر گرفته شده است و از این سه سطح بررسی مجزا نمی‌شود.

چالش شیخیه در مؤلفه‌های کلان دولت اسلامی

مؤلفه‌های کلان در این جا به کلیت نظام و چارچوب‌های کلی آن اشاره دارد. در این سطح، مفاهیم گسترده‌ای، مانند ایدئولوژی، و ساختار کلی نظام از منظر تقابل در مشروعیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مرحله، ایجاد یک ساختار کلان مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی را شامل است که زیرساخت‌های اساسی یک جامعه اسلامی را شکل می‌دهد.

تحلیل ناسازگاری ایدئولوژیکی

«ناسازگاری ایدئولوژیکی» در شیخیه، به معنای تفاوت بنیادین باورها و اندیشه‌های این فرقه با ایدئولوژی انقلاب اسلامی است. این ناسازگاری در حوزه‌های مختلفی نمود پیدا می‌کند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، تفسیر متفاوت از نقش دین در سیاست است. درحالی‌که انقلاب اسلامی، بر اساس آموزه‌های اسلامی، به دنبال ایجاد حکومت اسلامی مبتنی بر دین است، فرقه شیخیه با پذیرش جدایی دین از سیاست (ر.ک: کرمانی، ۱۳۱۳: ص ۳۴-۳۸)؛ این رویکرد را با تردید مواجه می‌کند و با تمرکز بر عقاید خاص خود، غالباً از ساختارهای سیاسی و اجتماعی مرسوم فاصله گرفته است و بر این اساس، در مقابل نظام مشروع اسلامی قرار می‌گیرد:

۱. مراجعه شود به مقدمه.

ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست در فرقه شیخیه

یکی از مهم‌ترین چالش‌های ایدئولوژیک جریان‌های انحرافی مهدویت از جمله شیخیه، در مسیر تمدن‌سازی دولت تراز؛ نگرش خاص آن به رابطه دین و سیاست و ترویج آن در جامعه است. این فرقه با تأکید بر فردگرایی و توجه به ظواهر دین، نقش دین در عصر غیبت را به حوزه فردی و معنوی محدود می‌داند و دخالت علما در امور سیاسی و اجتماعی را در این دوره نفی می‌کند (همان).

بر این اساس، هرچند در عقاید شیخیه علما جایگاهی برابر با سلاطین دارند؛ هر یک از ایشان وظیفه خاص خود را دارد. به عبارت دیگر، علما و فقها در عصر غیبت متولی امور دینی هستند و پادشاهان عهده دارد امور دنیوی؛ لذا وظایف عمده علما «تعلیم جاهلان» (کرمانی، ۱۳۹۴: ج ۸، ص ۷) و «حفظ دین از مندرش شدن» است (کرمانی، ۱۳۱۳: ص ۳۵).

بر همین اساس، محمدکریم خان کرمانی رهبر شیخیه کرمان، هیچ شأن سیاسی و اجتماعی برای علما در عصر غیبت قائل نیست و بر این باور است:

آنچه امروز بر علما شایسته است، گوشه‌گیری و زهد در دنیا است و متعرض احدی از آحاد نشدن... حتی آنکه امر به معروف و نهی از منکر در بسیاری از جاها ساقط است تا ظهور امام (همان). به همین دلیل، بر این باور است علمایی که به دنبال دخالت در امور سیاسی هستند، اغراضی دنیا طلبانه و حب ریاست دارند که بر اثر غفلت از خدا و دوری از علم حقیقی است، و تکلیف احدی از علما دخالت در امور اجتماعی نمی‌باشد (همان، ص ۳۷).

ایده‌ای که البته تنها در دایره این گروه محدود نماند، بلکه در جریان‌های دیگر نیز مطرح شد. جریان‌هایی که یا خود مستقیماً از شیخیه متأثر بودند، مانند بابیت و بهائیت و یا واکنشی بودند در برابر پیامد جریان شیخیه، مانند انجمن حجّتیّه که اساس کار خود را مبارزه با بهائیت تعریف می‌کرد (جعفریان، ۱۳۸۲: ص ۲۲۹ و گروه تألیف باشگاه اندیشه، ۱۳۸۶: ص ۳۰ و ۳۰). هرچند این دو جریان در تقابل با یکدیگر قرار داشتند، اما در پذیرش این دیدگاه که حکومت دینی از سیاست جداست، همداستان بودند (عبدالبهاء، ۱۳۲۵: ص ۱۹-۳۰ و گروه تألیف باشگاه اندیشه، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۳۱ و ۳۲). بابیت و بهائیت این اندیشه را به طور مطلق تبلیغ می‌کرد و انجمن حجّتیّه، دست کم در عصر غیبت، معتقد بود هرگونه تلاش برای جامعه‌سازی به دست



غیر معصوم، شکست خورده و بی نتیجه است (ر.ک: باقی، ۱۳۶۳: ص ۱۶۸). بر همین اساس، جریان‌های متعددی با الهام از این مشرب فکری شیخیه، خود را به عنوان پیروان قرائت صحیح از دین معرفی کرده و خود را مقابل انقلاب اسلامی قرار می‌دهند.

این، در حالی است که بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، امام خمینی، با ایجاد تحول در نگرش دینی مردم که دین را صرفاً وسیله‌ای برای مسائل شخصی مانند نماز و روزه می‌دانستند؛ رسالت نظام‌سازی، تمدن‌سازی و جامعه‌سازی را برای دین تعریف کردند (خامنه‌ای، بی تا: ج ۴۲، ص ۹) و بر این باور بودند که شعار جدایی دین از سیاست، شعاری استعماری است تا به این وسیله از حاکمیت اسلام جلوگیری شود (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۸، ص ۱۸۴).

بدین ترتیب، فرقه شیخیه در قرون نوزدهم میلادی نقش محوری در ترویج این تفکر ایفا کرد و با ارائه تعبیری جدید از برخی مفاهیم دینی، به سرعت در جامعه شیعه نفوذ کرد و نخستین بار، این فرقه نقش اساسی در تبدیل یک ایده به یک ایدئولوژی منسجم را در جهان تشیع بر عهده گرفت؛ لذا این تفاوت بنیادین در نگرش به دین، میان فرقه شیخیه و اهداف انقلاب اسلامی، شیخیه را به عنوان جریانی انحرافی در مسیر تمدن‌سازی اسلامی مطرح می‌سازد؛ زیرا عدم پذیرش نقش علما در امور سیاسی و اجتماعی توسط شیخیه، به محدود کردن نقش دین در جامعه انجامیده و مانعی اساسی در مسیر تحقق دولت تراز انقلاب اسلامی و حاکمیت پایدار و جامع می‌گردد.

مشروعیت‌زدایی از دولت تراز انقلاب

یکی دیگر از محورهای اصلی جریان‌های انحرافی از جمله شیخیه، عدم پذیرش مشروعیت قیام در دوران غیبت و تأکید بر قیام همراه با امام معصوم است^۱ (کرمانی، ۱۳۱۳: ص ۳۴؛ همان، ۱۳۵۱: ص ۱۲۷-۱۶۴ و کرمانی (الف)، بی تا: ص ۷۶۵).

۱. جریان‌هایی مانند جریان منصورهاشمی خراسانی؛ انجمن حجتیه؛ جریان احمد اسماعیل بصری و برخی دیگر از این دست گروه‌های انحرافی در مشروعیت‌زدایی از دولت اسلامی با هم هم داستاند (ر.ک: اخگری، ۱۳۶۷: ص ۵۵؛ حسینی، ۱۳۹۴ و منصوری، ۱۴۰۱: ص ۱۱-۱۴).

بدین سبب، در عقاید فرقه‌هایی نظیر شیخیه، تشکیل حکومت اسلامی به دست افراد غیرمعصوم در دوران غیبت فاقد مشروعیت است (همان، بی‌تا: ج ۴، ص ۱۶۴)؛ و تنها مشروعیت حکومت به حضور امام معصوم وابسته است و فقط اوست که می‌تواند حکومت تشکیل دهد (کرمانی، ۱۳۵۱: ص ۱۲۷). در همین زمینه، حاج محمد کریم‌خان کرمانی در باب قیام مسلحانه اظهار می‌دارد: «جهاد با غیر امام مفترض الطاعه، حرمتش مثل حرمت میتة و خون و گوشت خوک است» و تنها قیامی مشروع است که در کنار امام معصوم و عادل باشد (کرمانی (ب)، بی‌تا: ص ۶۶). بر همین اساس، در نگاه رهبر شیخیه کرمان، هر کس در زمان غیبت امام عصر خروج کند و دست به قیام مسلحانه بزند، مصادق جبت و طاغوت خواهد بود و چنین شخصی دچار فسق ظاهری است (کرمانی، ۱۳۱۳: ص ۳۵ و همان، ۱۳۵۱: ص ۱۲۷ و ۱۶۴). در این نگرش، نه تنها قیام‌هایی که صورت می‌گیرد، از پیش شکست خورده تلقی می‌شوند (همان، ۱۳۱۳: ص ۳۵)، بلکه اساساً چون در مخالفت با دولت‌ها بر خلاف مشیت و اراده الهی قدم برداشته‌اند، این قیام و خروج علیه آن‌ها، مخالفت و مکابره با خداوند تلقی می‌گردد (همان و همان (ب)، بی‌تا: ص ۱۳). در این نگرش، حکومت‌های مبتنی بر نظام پادشاهی که در عصر غیبت حاکمیت دارند، با این تفسیر نه تنها نامشروع نیستند، بلکه مخالفت با آن‌ها نامشروع و ستیز با امر قدسی است. بر این پایه، چون اصل تشکیل حکومت دینی بر عهده معصوم نهاده شده است؛ تشکیل حکومت مبتنی بر دین از اساس نامشروع تلقی می‌گردد.

این دیدگاه‌های شیخیه نشان دهنده نگرش بنیادین به مشروعیت حکومت و قیام در دوران غیبت است. تأکید بر حضور امام معصوم به‌عنوان تنها منبع مشروعیت حکومت، نشان‌دهنده رویکرد محافظه‌کارانه و سنتی است که هرگونه تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی به دست افراد غیرمعصوم را مردود می‌داند. این نگرش، به طور مستقیم، با وظایف ولی فقیه که توسط امام خمینی مطرح شد و به عنوان جایگزینی مشروع برای دوران غیبت تأکید دارد؛ در تضاد قرار می‌گیرد.

بر اساس این اندیشه، انقلاب اسلامی ایران از همان آغاز در مسیری غیر از مسیر مورد رضایت و اراده الهی قدم گذاشته و در تضاد با اراده مشیت الهی قرار گرفته است، و به دلیل این تضاد و تشکیل حکومت دینی که تنها باید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه آن را ایجاد کند؛ نامشروع تلقی می‌گردد. بر همین اساس، علمای شیخیه طبق مبنای دینی خود نه تنها نمی‌توانند با انقلاب اسلامی همراه



شوند، بلکه بر اساس گفتمان دینی خود، باید این تضاد را برای جامعه تبیین کنند تا در مسیری که مورد رضای الهی نیست، وارد نشوند.

بنابراین، اندیشه‌های شیخیه، با تأکید بر مشروعیت انحصاری حکومت به دست امام معصوم و نفی هرگونه قیام و تشکیل دولت توسط غیرمعصوم در عصر غیبت، چالشی بنیادین برای شکل‌گیری دولت تراز انقلاب اسلامی ایجاد می‌کنند. این رویکرد نه تنها همراهی پیروان شیخیه با نظام اسلامی را غیرممکن می‌کند، بلکه گفتمان آن‌ها می‌تواند زمینه‌ساز تضعیف مشروعیت نظام و ترویج ایده‌های مخالف تمدن‌سازی اسلامی شود. از این رو، مواجهه با این چالش فکری، یکی از الزامات حیاتی دولت تراز انقلاب اسلامی در مسیر دستیابی به تمدن نوین اسلامی است.

مؤلفه میانی: چالش در تشکیل دولت اسلامی

مراد از «مؤلفه میانی» در این جا، عواملی است که در سطحی میان کلان و خرد قرار دارند و به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر گروه‌ها و سازمان‌ها تأثیر می‌گذارند. این عوامل، نقش واسطه‌ای میان مؤلفه‌های کلان و مؤلفه‌های خرد ایفا می‌کنند. این مرحله تشکیل نهادهای حکومتی و اجرایی بر مبنای ارزش‌های اسلامی را شامل است و بر نحوه مدیریت و اداره کشور تمرکز دارد. در این زمینه، به ارزیابی تأثیر فرقه شیخیه بر تشکیل دولت اسلامی و چگونگی هم‌سویی یا ناسازگاری آن با دولت اسلامی می‌پردازیم. این ارزیابی بررسی عوامل فکری و اجتماعی را شامل می‌شود که در فرآیند تشکیل و تثبیت دولت اسلامی نقش دارند و می‌توانند در دستیابی به دولت تراز انقلاب اسلامی و تحقق اهداف تمدنی تأثیرگذار باشند که در این جا به دو نمونه از این چالش‌ها می‌پردازیم:

آرمان زدایی از دولت تراز انقلاب اسلامی و ترویج نومیادی اجتماعی

جریان شیخیه با توجه به نوع نگرش خود به مسائل آخرالزمانی و عصر غیبت، رویکردی رکودگرا و فاقد آرمان را ترویج می‌دهد. این رویکرد نه تنها با اندیشه‌های پویای اسلامی در تضاد است، بلکه زمینه‌ساز آرمان زدایی از تشکیل دولت اسلامی و القای ناامیدی نسبت به دستیابی به اهداف متعالی است و مانعی جدی در مسیر تحقق آرمان‌های اسلامی به شمار می‌رود.

در همین زمینه، اندیشه‌های برخی رهبران شیخی، به‌ویژه دیدگاه‌هایی که محمدکریم خان کرمانی در آثار خود مطرح کرده است؛ نمونه‌ای از رویکردهایی است که می‌تواند به تضعیف آرمان‌های دولت تراز انقلاب اسلامی و ترویج ناامیدی اجتماعی بینجامد. در این رویکرد، علاوه بر این‌که تشکیل حکومت دینی نامشروع است، به‌طور کلی تلاش برای ایجاد آن بی‌فایده تلقی می‌شود. استدلال این رهبران بر پایه این باور است که اراده خداوند بر ادامه حکومت‌های موجود تا زمان ظهور امام عصر علیه السلام قرار گرفته و هرگونه تلاش برای ایجاد جامعه دینی یا مقابله با حکومت‌ها در عصر غیبت، نتیجه‌ای جز شکست و نابودی نخواهد داشت و کسانی که به چنین اقدامی دست بزنند، تنها خود و دیگران را در معرض هلاکت قرار خواهند داد و چون خداوند انقراض این دولت‌ها را تا زمان ظهور نخواست است، هرگونه منازعه و قیام علیه آن‌ها، از سوی رهبران شیخی کار عبث و احمقانه تلقی می‌گردد (کرمانی، ۱۳۱۳: ص ۳۴-۳۶). این دیدگاه که بر انفعال، رکود، و پذیرش شرایط موجود تأکید دارد، با نفی مشروعیت تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت، بسترهای ناامیدی اجتماعی را تقویت می‌کند و با ارائه تصویری جبرگرایانه از تاریخ، مسئولیت اجتماعی و سیاسی مسلمانان را نادیده می‌گیرد و آنان را به پذیرش منفعلانه هر نوع سلطه دعوت می‌کند.

در نتیجه همین اندیشه رکودگرا و بی‌آرمان در شیخیه است که عبدالرضا خان ابراهیمی، رهبر پنجم شیخیه کرمان، این اندیشه را با طرح مفهومی همچون «دوره سلطنت حیوانیت» بسط می‌دهد. او دوران غیبت را به‌عنوان زمانی تعریف می‌کند که در آن، تمامی ارزش‌های انسانی به زوال می‌گریند و فساد بر جامعه چیره می‌شود. در چنین فضایی، ناامیدی از هرگونه سامان یافتن جامعه دینی به‌عنوان واقعیتی محتوم معرفی شده و امید به اصلاح اجتماعی تنها به دخالت مستقیم دست غیب و ظهور امام معصوم علیه السلام موقوف می‌گردد (ابراهیمی، بی‌تا: ص ۲۶۸).^۱ این دیدگاه، با تقلیل آرمان‌های اسلامی به شرایط آخ‌الزمانی، ظرفیت‌های جوامع مسلمان را برای شکل‌دهی به تمدن پیشرو و متعالی، به شدت محدود می‌کند و در حالی‌که آموزه‌های اسلامی تأکید بر آمادگی و تلاش مستمر برای تحقق عدالت و بسترسازی برای ظهور دارند؛ این تفسیر، هرگونه اقدام بشری را از پیش به شکست محکوم می‌داند. نتیجه چنین



1 . https://www.alabarar.info/library/90MAS/f0000#p_g_

رویکردی، شکل‌گیری نوعی فرهنگ انفعال، بی‌مسئولیتی اجتماعی، و پذیرش وضعیت موجود است که به ترویج ناامیدی اجتماعی و تضعیف حرکت‌های اصلاح‌گرایانه منجر می‌شود و پایه‌های تمدنی شکل‌گیری دولت تراز انقلاب اسلامی را با چالش جدی روبه‌رو می‌کند.

این دیدگاه با تلقین بی‌ثمری تلاش‌های دینی و سیاسی، عملاً زمینه نوعی جبرگرایی اجتماعی و سیاسی را فراهم می‌آورد که می‌تواند، به خنثی‌سازی انگیزه‌های مردمی و در نتیجه آرمان‌زدایی از ارکان سیاسی کشور و کاهش پویایی فکری جامعه منجر شود. تأکید بر بی‌ثمر بودن تلاش‌ها برای اصلاح جامعه، به طور مستقیم بر روحیه اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد و احساس ناامیدی به تغییرات مثبت را تقویت می‌کند. این ناامیدی اجتماعی، به ویژه در میان جوانان و نخبگان، می‌تواند انگیزه‌های آنان را برای مشارکت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کاهش دهد و آرمان‌گرایی دینی را که یکی از اصول بنیادین انقلاب اسلامی است، به چالش بکشد.

علاوه بر این، این دیدگاه زمینه‌ساز نوعی تناقض در مسئولیت‌های دینی و اجتماعی افراد است. از یک سو، دین به اصلاح جامعه و مبارزه با ناپرابری‌ها و ظلم فرامی‌خواند، و از سوی دیگر، پذیرش بی‌چون و چرای حکومت‌های غیردینی به عنوان مشیت الهی، عملاً فرد را از ایفای نقش اصلاح‌گرانه باز می‌دارد. این تناقض، نه تنها به تضعیف هویت دینی افراد می‌انجامد، بلکه به شکاف میان تعالیم دینی و واقعیت‌های اجتماعی دامن می‌زند.

هزینه‌سازی بر تمدن‌سازی دولت تراز

یکی دیگر از چالش‌های جریان شیخیه، ایجاد اختلافات مذهبی و اجتماعی است که موجب هزینه‌سازی برای دولت می‌شود. این جریان، منابع و نیروهای کشور را به سمت مدیریت و مقابله با شبهات و انحرافات سوق می‌دهد و بار اضافی بر عهده نظام وارد می‌کند؛ به گونه‌ای که در دوران انقلاب اسلامی و پیش از آن، تلاش‌های گسترده‌ای برای پاسخگویی به شبهات و مقابله با انحرافات اعتقادی جریان شیخیه و فرقه‌های منشعب از آن صورت گرفته است. بخشی از این اقدامات در قالب تألیفات علمی و پژوهشی نمود یافته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب‌هایی همچون «تنبیه الانام علی مفسد ارشاد العوام»، اثر سید محمدحسین مرعشی شهرستانی (۱۳۱۵-۱۳۵۵ق)؛ «خرافات شیخیه یا کفریات ارشاد العوام»، نوشته شیخ

محمد خالصی کاظمی (۱۳۶۷)؛ «تحقیقی در تاریخ و عقاید شیخ‌گری، بابی‌گری، بهائی‌گری و کسروی‌گرایی»، اثر یوسف فضایی؛ «جستارهایی از تاریخ بهائی‌گری»، نوشته عبدالله شهبازی و «تاریخ و اندیشه شیخیه از آغاز تا کنون»، تألیف سید محمدحسن آل طالقانی؛ «شیخیه و غلو در امامت»، اثر محمدعلی افصلی و «فرقه‌های انحرافی: شیخیه، بابیه، بهائیت»، نوشته جمعی از پژوهشگران مرکز تخصصی مهدویت اشاره کرد. علاوه بر این‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی به تبیین و نقد انحرافات فکری شیخیه و جریان‌های مرتبط با آن اختصاص یافته است.

این تلاش‌ها اگرچه برای صیانت و دفاع از اندیشه اسلامی ضروری بوده‌اند؛ بخش قابل توجهی از ظرفیت علمی و فکری جامعه را که می‌توانست در حوزه نوآوری‌های مهدوی و گسترش اندیشه دینی صرف شود، به مقابله با این انحرافات معطوف ساخته‌اند. این امر روند پیشبرد تمدن نوین اسلامی توسط دولت تراز را با چالش‌هایی مواجه کرده و منابعی را که می‌توانست در جهت پیشرفت‌های علمی و فرهنگی به کار گرفته شود، به سمت مدیریت و پاسخگویی به این انحرافات سوق داده است.

چالش آفرینی جریان شیخیه برای تحقق نظام و دولت اسلامی، به‌ویژه در دوران مبارزات انقلابی مردم ایران علیه رژیم پهلوی، به‌وضوح نمایان می‌شود. در این دوره، آثار بزرگان شیخیه، مانند «سی فصل» و «ازهاق باطل» از محمد کریم‌خان کرمانی و «سیاست مدن» از عبدالرضا خان ابراهیمی (منتشرشده در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۱)؛ بر جدایی دین از سیاست و عدم مشروعیت قیام در عصر غیبت تأکید داشتند. به‌طور خاص، کتاب «سیاست مدن»، با استناد به سیره نواب اربعه، مداخله روحانیت در امور سیاسی را نامشروع و وظیفه روحانیت را محدود به حوزه‌های غیرسیاسی می‌دانست (ابراهیمی، سیاست مدن، به نقل از صالحی، ۱۳۸۰: ص ۱۷۹).

این رویکرد نه تنها هزینه‌های فکری و اجتماعی قابل توجهی بر دولت انقلاب اسلامی تحمیل کرد، بلکه در زمان شکل‌گیری انقلاب نیز با ارائه تفکرات مخالف اندیشه‌های انقلابی امام خمینی، تلاش داشت جامعه را از همراهی با این حرکت بازدارد و مشروعیت ایجاد نظام و دولت اسلامی را با تردید مواجه کند. این موضوع با هشدارهای امام خمینی درباره ترویج شبهات جدایی دین از سیاست توسط جریان‌هایی مانند شیخیه و وابستگان به استعمار غرب و رژیم پهلوی مواجه شد. امام خمینی این اندیشه‌ها را حربه‌ای برای به حاشیه راندن روحانیت و



جلوگیری از تحقق اسلام راستین در جامعه می‌دانستند (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۰، ص ۱۵؛ ج ۶، ص ۲۱؛ ج ۳، ص ۲۲۷؛ ج ۱۷، ص ۲۰۴؛ ج ۱۸، ص ۵۲ و ...).

بنابراین، جریان شیخیه با ترویج تفکراتی که مشروعیت نظام اسلامی را به چالش می‌کشید؛ نه تنها بار اضافی بر دوش انقلاب اسلامی وارد کرد، بلکه در تقابل مستقیم با اندیشه‌های امام خمینی قرار گرفت که اندیشه‌های ایشان بر نقش کلیدی اسلام در عرصه اجتماعی و سیاسی تأکید داشتند.

مؤلفه‌های خرد: چالش در ایجاد کشور اسلامی

این مرحله به تحقق ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه، فرهنگ عمومی و سبک زندگی مردم در کشور اسلامی مربوط می‌شود؛ لذا آسیب جریان‌های انحرافی در سطح خرد به جامعه و مردم در نظام و دولت اسلامی اشاره دارد و رفتارهای فردی، تعاملات اجتماعی، فرهنگ و ارزش‌های آن را شامل است که می‌تواند، مسیر تمدن‌سازانه دولت تراز انقلاب را با چالش مواجه کند. برخی از این چالش‌ها در این سطح عبارت است از:

تضعیف همبستگی اجتماعی و ارزش‌های مشترک

«همبستگی اجتماعی» به‌عنوان پیوندی مستحکم میان اعضای جامعه، مبتنی بر ارزش‌ها، باورها و اهداف مشترک شکل می‌گیرد (یعقوبی، ۱۳۸۳: ص ۳۳) و نقش کلیدی در حفظ انسجام ملی و پیشبرد جوامع اجرا می‌کند. در ادبیات جامعه‌شناسی، این مفهوم به‌عنوان تعادل بخش در جوامع مطرح است و کاهش آن می‌تواند به بروز بحران‌های اجتماعی و افزایش تفرقه منجر شود (ر.ک: جانسون، ۱۳۶۳: ص ۷۴ و ۱۳). ظهور جریان‌های انحرافی، به‌ویژه مواردی که بر پایه تفاسیر خاص و اغلب نادرست از آموزه‌های دینی شکل می‌گیرند، تهدیدی جدی برای این همبستگی هستند. این جریان‌ها با ترویج برداشت‌های انحرافی و ایجاد شکاف در ارزش‌های مشترک جامعه، زمینه‌ساز تضعیف انسجام اجتماعی و انحراف از مسیر تمدن‌سازی اسلامی هستند.

در این زمینه، مقام معظم رهبری در بیانات خود در خصوص تمدن‌سازی اسلامی تأکید دارند که برای تحقق تمدن اسلامی (که یکی از اهداف اصلی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود) لازم است هرگونه تمایز و اختلاف‌انگاری از جامعه اسلامی رخت بربندد. ایشان بر این باورند که

اتحاد میان مسلمانان و رفع عوامل تفرقه در جهان اسلام، از الزامات بنیادین دستیابی به این آرمان است (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: بیانات در دیدار با کارگزاران حج و همان، ۱۳۹۸: بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران).

این، در حالی است که فرقه‌های انحرافی، به عنوان یکی از منابع اصلی تعارض ایدئولوژیک در جامعه، نقشی محوری در تضعیف همبستگی اجتماعی و ارزش‌های مشترک اجرا می‌کنند. شکل‌گیری این فرقه‌ها بر تمایز انگاری میان پیروان خود و دیگر افراد جامعه استوار است. این تمایز با تقویت هویت فرقه‌ای و ایجاد حس برتری در اعضای فرقه نسبت به سایر افراد جامعه همراه است. فرقه انحرافی شیخیه نیز از این الگو مستثنا نیست و با تأکید بر تفاسیر خاص و رویکردهای انحصاری خود، به شکاف اجتماعی و تضعیف انسجام ملی دامن می‌زند.

به عنوان نمونه، فرقه شیخیه با بهره‌گیری از نشانه‌های ظاهری، به ویژه در آیین‌های مذهبی، تلاش می‌کند هویت متمایز خود را از بدنه اصلی جامعه تقویت کند. از مصادیق بارز این تمایز، می‌توان به ترویج نوع خاصی از پوشش در مراسم عزاداری، به ویژه عزای سیدالشهدا علیه السلام اشاره کرد. برخلاف جریان اصلی تشیع که سیاه‌پوشی در ایام عزاداری را نشانه حزن و اندوه می‌داند، این فرقه پیروان خود را به پوشیدن لباس سفید تشویق می‌کند. این اقدام با استناد به استدلال‌های فقهی مبنی بر کراهت پوشیدن لباس سیاه، حتی در عزاداری توجیه می‌شود (کرمانی، ب)، بی‌تا: ص ۲۳۸) نمود و نشانه آشکار این تمایز طلبی را می‌توان در دسته‌های عزاداری فرقه شیخیه، مانند دسته‌های عزاداری شیخیه در کرمان و یا دسته بنی عامره بصره مشاهده کرد (وبسایت مکارم‌الابرار، ۱۴/۶/۱۳۹۶)^۲.

تمایزطلبی فرقه شیخیه به نشانه‌های ظاهری محدود نمی‌شود، بلکه در مفاهیم ایدئولوژیک و اعتقادی نیز نمایان است. به طور خاص رهبران شاخه احقاقیه با استفاده از اصطلاحاتی نظیر «کاملین» و «ناقصین» میان خود و دیگر شیعیان، تمایز قائل می‌شوند (الشخص، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۲۵۱). بر اساس این دیدگاه، کسانی که به افکار و آموزه‌های شیخ احمد احسائی پایبند

1 . <https://www.alabrar.info/library/>

2 . <http://m-kermani.ir/>

نیستند، در زمره «ناقصین» قرار می‌گیرند (همان). یا رهبران شاخه احقاقی شیخیه پیروی و تقلید از مراجع دینی غیرمرتبط با آموزه‌های احساسی را برای اعضای فرقه جایز نمی‌دانند و بدین ترتیب، پیروان خود را از ارتباط با سایر بزرگان تشیع بازمی‌دارند (همان، به نقل از الرساله العملیه میرزا علی بن میرزا موسی حائری احقاقی باب احکام تقلید و باب صلاة الجماعه؛ موسوی، ۱۳۹۵: ص ۸-۱۰). این رویکرد، علاوه بر تقویت هویت فرقه‌ای، موجب افزایش شکاف‌های اجتماعی و ایدئولوژیک در جامعه می‌شود و به تعمیق شکاف‌های اجتماعی کمک می‌کند. در نتیجه به چالشی برای دولت تراز در شکل‌دهی به کشوری اسلامی که یکی از پایه‌های اساسی آن همبستگی اجتماعی و ارزش‌های مشترک است، تبدیل می‌گردد.

شکل‌گیری تضاد فرقه‌ای در جامعه و تمرکز زدایی از فرایند تحقق تمدن اسلامی

یکی دیگر از چالش‌های جدی جریان‌های انحرافی برای تمدن‌سازی دولت تراز انقلاب اسلامی در فرآیند شکل‌دهی به کشور اسلامی؛ ایجاد اختلافات و خشونت‌های فرقه‌ای در جامعه است. این فرقه‌ها با ترویج تفاسیر خاص و انحصاری از آموزه‌های دینی، زمینه‌ساز تقویت هویت‌های فرقه‌ای و تضعیف هویت ملی و دینی مشترک می‌شوند. بعضی از این جریان‌ها صرفاً با اعضای خود بدرفتاری می‌کنند؛ در حالی که برخی دیگر خشونت را به بیرون فرقه نیز سرایت می‌دهند (سینگر، ۱۳۹۹: ص ۱۴۴).

پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که پدیده تروریسم با ساختارهای فرقه‌ای ارتباطی نزدیک دارد و به نوعی این دو را می‌توان دو روی یک سکه دانست. در این میان، واداشتن افراد به مشارکت در فعالیت‌های تروریستی به بازسازی ذهنی آنان و القای عمیق روانی در باورهایشان نیازمند است (همان) که نمونه‌های فراوان آن را می‌توان در جریان‌های انحرافی مهدوی مشاهده کرد؛ جریان‌هایی که پیروان خود را به ترور، قتل اندیشمندان، رهبران، و نیروهای امنیتی جامعه تشویق و ترغیب می‌کنند (پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، ۱۴۰۱: بخش پرسش و پاسخ، کد ۵۵۴)¹.

1 . [https://www.alkhorasani.com/fa/content/15320/..](https://www.alkhorasani.com/fa/content/15320/)

یکی از نمونه‌های بارز اقدامات خشونت‌آمیز فرقه‌ای را می‌توان در جریان‌های منشعب از شیخیه، مانند باییت و بهائیت، مشاهده کرد. ترور ملا محمدتقی برغانی به دستور قره‌العین، از پیروان باب، نمونه‌ای از اعمال خشونت فرقه‌ای علیه افراد خارج از فرقه به شمار می‌رود (اعتضاد السلطنه، ۱۳۶۲: ص ۱۷۳ و آواره، ۱۹۲۳: ص ۱۲۲). همچنین، اقدام به ترور ناصرالدین شاه قاجار توسط بانیان (گویینو، بی‌تا: ص ۲۳۷-۲۳۸) و درگیری‌های درون فرقه‌ای میان ازلی‌ها و بهائی‌ها (نجفی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۳۳۴-۳۳۹)؛ شواهد دیگری از خشونت سازمان‌یافته این گروه‌ها است.

این خشونت‌ها در شاخه‌های دیگر منشعب از شیخیه، مانند کریم‌خانیه و احقاقیه، نیز مشاهده می‌شود. اختلاف‌های فکری و عملی میان این گروه‌ها، که در نام‌گذاری‌هایی نظیر رکنیه و کشفیه تجلی یافته است؛ گاه به تکفیر یکدیگر منجر شده است (الشخص، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۲۵۲). چنین رفتارهایی نمونه‌هایی از گسترش خشونت فرقه‌ای در جامعه به شمار می‌آیند که می‌توانند بر ساختار دولت اسلامی تأثیرات منفی عمیقی داشته باشند.

این نوع خشونت‌ها با تمرکز زدایی از دولت آرمانی انقلاب اسلامی و گسترش تنش‌های فیزیکی در جامعه که در تاریخ اسلام نیز کم سابقه نیستند؛ می‌توانند مانعی جدی بر سر راه تحقق اهداف تمدن‌سازانه دولت تراز اسلامی ایجاد کنند.

راهکارهای پیشنهادی مقابله با چالش‌های جریان‌های انحرافی مهدوی در مسیر تمدن‌سازی دولت تراز انقلاب اسلامی

در نهایت، برای مقابله با چالش‌هایی که جریان‌های انحرافی مهدوی، به‌ویژه جریان شیخیه، در مسیر تمدن‌سازی دولت تراز انقلاب اسلامی ایجاد می‌کنند؛ مجموعه‌ای از راهکارهای فکری، فرهنگی و عملی پیشنهاد می‌شود که عبارت است از:

۱. تقویت گفتمان تمدن‌سازی و تبیین روشن اهداف دولت تراز انقلاب، با ارائه تعریف دقیق و جامع از تمدن اسلامی، مبتنی بر آموزه‌های قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام و نشر آن در مراکز علمی و عمومی کشور که باید بر عدالت، پیشرفت علمی، معنویت و همبستگی اجتماعی تأکید داشته باشد.
۲. ارائه الگوی عملی و نمونه‌های موفق از جامعه اسلامی در حوزه‌های مختلف اقتصادی،



اجتماعی، فرهنگی و علمی. از این طریق می‌توان الگویی عملی از تمدن اسلامی ارائه کرد که جذابیت آن برای جامعه افزایش یابد و مانع اثرگذاری شبهات جریان‌های انحرافی بر افراد جامعه گردد.

۳. نقد علمی جریان‌های انحرافی از طریق تشکیل گروه‌های پژوهشی متخصص در حوزه تاریخ، کلام و جامعه‌شناسی و نقد علمی و مستند جریان‌های انحرافی مانند شیخیه. باید توجه شود که این نقدها مبتنی بر منابع معتبر و با رویکردی منطقی و عقلانی ارائه گردند.

۴. آموزش عمومی از جمله راهکارهایی است که هم پایه‌های مردمی دولت تراز انقلاب را محکم می‌کند و هم با برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی، آگاهی عمومی نسبت به انحرافات فکری و عقیدتی را افزایش می‌دهد. این آموزش‌ها نیز باید در سطوح مختلف جامعه، از جمله مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز مذهبی، گسترش یابد.

۵. راهکار دیگر، ایجاد شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های مشترک است. با تقویت نهادهای اجتماعی و مذهبی که بر پایه ارزش‌های اسلامی فعالیت می‌کنند، می‌توان همبستگی اجتماعی را افزایش داد. این نهادها می‌توانند به عنوان حلقه‌های واسط میان دولت و مردم عمل کنند و به همبستگی اعضای جامعه با دولت انقلاب اسلامی یاری رسانند.

۶. مقابله با تفرقه افکنی: با شناسایی و مقابله با اقدامات تفرقه افکنانه جریان‌های انحرافی، می‌توان از تضعیف انسجام ملی جلوگیری کرد. این اقدامات مقابله با تبلیغات انحرافی و تقویت هویت ملی و دینی مشترک را شامل است که باید دولت تراز انقلاب اسلامی عهده دار آن باشد.

۷. با تقویت نقش علما و مراجع دینی در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، می‌توان به مقابله با اندیشه‌های انحرافی، مانند جدایی دین از سیاست پرداخت. از این‌رو، باید دولت تراز انقلاب هرچه می‌تواند جایگاه علما را در جامعه تقویت کند و عالمان دینی نیز باید به عنوان الگوهای عملی در جامعه حضور فعال داشته باشند تا جریان‌های انحرافی از نبود آن‌ها برای نفوذ در عرصه اجتماعی سوء استفاده نکنند.

۸. تبیین درست از انتظار: با تبیین صحیح مفهوم انتظار فرج و ارتباط آن با تلاش و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، می‌توان به مقابله با ناامیدی اجتماعی پرداخت. این تبیین باید بر اساس آموزه‌های اسلامی و با تأکید بر نقش فعال انسان در جامعه صورت بپذیرد.

۹. دولت تراز انقلاب اسلامی باید با ارائه دستاوردهای علمی، اقتصادی و اجتماعی نظام اسلامی، روحیه امید و پیشرفت را در جامعه تقویت کند. این دستاوردها باید به طور مستمر به جامعه معرفی شوند.

۱۰. تبلیغ تمدن اسلامی در سطح جهانی با استفاده از دیپلماسی فرهنگی، و ارائه تصویر صحیحی از تمدن اسلامی به جهانیان. این اقدامات باید در قالب برگزاری نمایشگاه‌ها، کنفرانس‌ها و برنامه‌های فرهنگی بین‌المللی باشد.

مقابله با تبلیغات منفی، ایجاد اقتصاد پایدار و کاهش وابستگی به منابع خارجی، مقابله با مفاسد اقتصادی، و جلب اعتماد عمومی نیز از دیگر راهکارهایی است که می‌توان برای مقابله با جریان‌های انحرافی و تقویت دولت تمدن‌ساز مؤثر باشد.



نتیجه‌گیری

تحقق تمدن اسلامی، به‌عنوان هدف بنیادین انقلاب اسلامی ایران، به تلاش‌های مستمر و برنامه‌ریزی منسجم برای ایجاد جامعه‌ای عدالت‌محور، پیشرفته و معنویت‌گرا نیازمند است. با این حال، جریان‌های انحرافی مانند شیخیه، با تفسیرهای خاص از آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه در حوزه مهدویت، چالش‌های جدی در این مسیر ایجاد می‌کنند. این جریان‌ها با ترویج اندیشه‌هایی مانند جدایی دین از سیاست، نفی مشروعیت حکومت دینی در عصر غیبت، و ترویج ناامیدی اجتماعی، پایه‌های فکری و اعتقادی دولت تراز انقلاب اسلامی را تضعیف کرده‌اند و به ایجاد شکاف در همبستگی اجتماعی و خشونت‌های فرقه‌ای دامن می‌زنند.

نتیجه این پژوهش، چالش‌های شیخیه در سه سطح کلان، میانی و خرد را نشان می‌دهد که در سطح کلان با ناسازگاری ایدئولوژیکی و تضعیف گفتمان مهدویت اصیل به تضعیف مشروعیت و اعتبار نظام اسلامی پرداخته، در سطح میانی با آرمان‌زدایی و تحمیل هزینه بر نظام و با ایجاد ناهماهنگی‌های فکری و اعتقادی در نخبگان باعث شکاف و اختلاف در میان اندیشمندان می‌شود و از همگرایی اندیشه‌ای برای تحقق دولت تراز انقلاب اسلامی جلوگیری می‌کند. در سطح خرد نیز با تضعیف همبستگی اجتماعی و ایجاد تضادهای فرقه‌ای، مانع تحقق تمدن اسلامی، به‌عنوان کشوری اسلامی می‌گردد.

برای مقابله با این چالش‌ها، راهکارهایی مانند تقویت گفتمان تمدن‌سازی، ایجاد شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر ارزش‌ها و باورهای اسلامی، نقد علمی جریان‌های انحرافی، آموزش عمومی، تقویت همبستگی اجتماعی، تبیین صحیح انتظار فرج، و استفاده از دیپلماسی فرهنگی پیشنهاد شده است. همچنین، تقویت نقش علما، تولید محتوای علمی و فرهنگی، و ایجاد اقتصاد پایدار، از جمله اقدامات ضروری برای تحقق اهداف تمدن‌سازی است. در نهایت باید توجه کرد که غلبه بر این چالش‌ها به عزم ملی، همبستگی اجتماعی و مشارکت فعال تمامی قشرهای جامعه نیازمند است تا بتوان به سوی تحقق تمدن نوین اسلامی گام برداشت.

منابع

- قرآن کریم

۱. ابراهیم نژاد، محمدرضا، پورعباس، محمد (تابستان ۱۴۰۱). «واکاوی مفهوم «تمدن نوین اسلامی» با رویکرد معناشناختی»، مجله پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی، سال دوم، شماره ۳، ص ۱۱-۳۲.
۲. ابراهیمی، ابوالقاسم خان (بی‌تا). *فهرست کتب مشایخ عظام کرمان*، کرمان، انتشارات چاپخانه سعادت کرمان، ۲ جلد در یک مجلد.
۳. ابراهیمی، حاج عبدالرضا خان (بی‌تا). *نود مسئله*، بی‌جا، منتشر شده در سایت الابرار.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*، محقق: هارون، عبد السلام محمد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا). *لسان العرب*، انتشارات دارالفکر، بیروت - لبنان.
۶. احسایی، شیخ احمد (۱۴۳۰ق). *جوامع الكلم*، بصره، شر مطبعه الغدیر.
۷. اخگری، محمدرضا (۱۳۶۷). *ولایتی‌های بی ولایت*، تهران، پرچم.
۸. اعتضادالسلطنه (۱۳۶۲). *فتنه باب*، توضیحات و مثال‌ها به قلم عبدالحسن نوائی، تهران، انتشارات بابک.
۹. افراسیابی، بهرام (۱۳۸۲). *تاریخ جامع بهائیت*، تهران، انتشارات مهرفام.
۱۰. افندی، عباس (عبدالبهاء) (۱۳۲۵). *رساله سیاسیة*، تهران، بی‌نا.
۱۱. آواره، میرزا عبدالحسین (۱۹۲۳). *الکواکب الدریة فی مآثر البهائیه*، مصر، نشر المطبعه العربیه.
۱۲. باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۳). *کوچه هفت پیچ*، تهران، انتشارات نگاه.
۱۳. باطنی، محمدرضا؛ احمدی‌نیا، زهرا و دیگران (۱۳۹۶). *فرهنگ معاصر*، تهران، بی‌نا.
۱۴. باقی، عمادالدین (۱۳۶۳). *در شناخت حزب قاعدین (موسوم به انجمن حجتیه)*، بی‌جا، نشر دانش اسلامی.
۱۵. بامداد، مهدی (بی‌تا). *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴*، بی‌جا، انتشارات کتابقروشی وزراء.



۱۶. چالمرز، جانسون (۱۳۶۳). *تحول انقلابی بررسی نظری پدیده انقلاب*، مترجم: حمید الیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۷. جعفریان، رسول (۱۳۸۲). *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (از روی کارآمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی)*، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۸. خامنه‌ای، علی (۱۴۰۲). *بیانات در دیدار با کارگزاران حج*.
۱۹. _____ (بی‌تا). *بیانات*. بی‌نا، بی‌جا.
۲۰. _____ (۱۳۹۸). *بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران*.
۲۱. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۴). *جریان شناسی فکری ایران معاصر*، قم، انتشارات دفتر نشر معارف.
۲۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*، ۲۱ جلدی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *فرهنگ دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. دو گوینو، کنت (بی‌تا). *مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی*، مترجم: م. ف. بی‌جا، بی‌نا.
۲۵. ذوعلم، علی (۱۳۸۴). *تأملی در مفهوم چالش در ادبیات اجتماعی فرهنگی ایران*، نشر زمانه، سال چهارم، شماره ۳۶، ص ۳۴-۳۷.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۵). *مفردات الفاظ قرآن*، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی، تهران، انتشارات مرتضوی.
۲۷. سراج، محسن (۱۳۸۸). *سید کاظم رشتی، افکار و اندیشه‌ها و انشعابات شیخیه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۲۸. سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کجروی‌ها*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۹. سینگر، مارگارت تالر (۱۳۹۹). *فرقه‌ها در میان ما*، مترجم: خدابنده، ابراهیم، تهران، نشر ماهریس.
۳۰. الشخص، هاشم محمد (۱۴۱۶ق). *اعلام هجر من الماضین و المعاصرین*، بیروت، انتشارات مؤسسه ام القریل التحقیق و النشر.
۳۱. شرتونی، سعید (۱۳۷۴). *اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد*، بی‌جا، انتشارات منظمه الاوقاف و الشؤون الخیریه - دار الاسوه للطباعه و النشر.
۳۲. صالحی، نصرالله (بهاره ۱۳۸۰). «*اندیشه سیاسی شیخیه*»، نشریه فرهنگ اندیشه، شماره ۱، (ص ۱۶۷-۱۸۳).

۳۳. صدر، موسی (بهار ۱۳۸۳). «قرآن و پدیده انحراف در جامعه»، مجله پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، ص ۱۴-۳۷.
۳۴. الصلاحات، سامی محمد (۱۴۲۷ق). *معجم المصطلحات السياسيه فی تراث الفقهاء*، مصر، انتشارات مکتبه الشروق الدولیه.
۳۵. صلیبا، جمیل؛ صانعی دره بیدی، منوچهر (بی‌تا). *فرهنگ فلسفی*، بی‌جا، انتشارات حکمت، نسخه سایت فقاقت.
۳۶. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۱). *اخلاق ناصری*، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة.
۳۷. عمید، حسن (۱۳۹۰). *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، انتشارات راه رشد.
۳۸. کربن، هانری (۱۳۴۶). *مکتب شیخی از حکمت الهی شیعه*، مترجم: بهمنیار، فریدون، تهران، انتشارات تابان.
۳۹. کرمانی، حاج محمد کریم خان (۱۴۳۶ق). *مکارم الابرار: مجموعه مصنفات العالم الیرانی و الحکیم الصمدانی مولانا المرحوم الحاج محمد کریم خان الکرمانی (رساله هدایه الصبیان)*، بصره، انتشارات شره الغدیر للطباعه و النشر المحدوده.
۴۰. _____ (بی‌تا الف). *ارشاد العوام*، کرمان، انتشارات چاپخانه سعادت.
۴۱. _____ (۱۳۵۱). *ازهاق الباطل فی رد البایه*، کرمان، انتشارات سعادت.
۴۲. _____ (بی‌تا ب). *رساله ناصریه در جهاد*، بی‌جا، منتشر شد در سایت الابرار.
۴۳. _____ (۱۳۱۳ق). *سی فصل*، بی‌جا، انتشارات گلزار حسنی.
۴۴. کرمانی، زین العابدین خان (بی‌تا الف). *صواعق البرهان فی رد دلائل العرفان*، بی‌جا؛ منتشر شده در سایت الابرار.
۴۵. _____ (بی‌تا ب). *هفتاد مسئله*، بی‌جا، منتشر شده در سایت الابرار.
۴۶. گروه تألیف باشگاه اندیشه (۱۳۸۴). *گزارش حجتیه*، بی‌جا، انتشارات باشگاه اندیشه.
۴۷. مظفری، آیت (۱۳۹۶). *جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر*، قم، نشر زمزم هدایت.
۴۸. معین، محمد (۱۳۸۱). *فرهنگ معین*، تهران، کتاب راه نو.
۴۹. منصوری، شیخ عبدالعالی (۱۴۰۱). *ولایت فقیه در زمان غیبت: مطالعه استدلالی*، مترجم: گروه مترجمان، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام، بی‌نا.



۵۰. موسوی، مهدی (۱۳۹۵). *فتاویٰ الشیخیه*، قم، انتشارات فاروس.
۵۱. نجفی، سید محمدباقر (۱۳۸۳). *بہائیان*، قم، انتشارات مشعر.
۵۲. نفیسی، علی اکبر (۱۳۵۵). *فرہنگ نفیسی*، بی جا، انتشارات کتاب فروشی خیام.
۵۳. یعقوبی، عبدالرسول (زمستان ۱۳۸۳). «*تبیین عوامل تهدیدگر ہمبستگی اجتماعی ایران عصر مشروطیت*»، فصلنامه آموزه، ش ۶، ص ۳۲۹-۳۹۰.

وبسایت‌ها

۵۴. پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، بخش پرسش و پاسخ‌ها، کد ۵۴۴، ۱۴۰۱،
<https://www.alkhorasani.com/fa/content/15320/>
۵۵. حسینی، محسن، *نظریه ولایت مطلقه فقیه، بدعت فقهی فقہای آخرالزمان یا بن بست لاینحل مشروعیت*، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی،
<https://www.alkhorasani.com/fa/content/>
۵۶. سایت الابرار، ابراهیمی، زین العابدین، *درباره مکتب شیخی*، بی تا،
<https://www.alabrar.info/library/INTRODUCTION/f0000#pg>
۵۷. سایت مکارم الابرار، مؤلف مجهول، *عزاداری و نوحه خوانی در فرقه شیخیه*، ۱۳۹۶/۶/۱۴،
<http://m-kermani.ir/2017,10,06>.